

فصل اول

مدیریت دارایی جاری

۱. انواع دارایی عمده جاری: وجه نقد، اوراق بهادار کوتاه مدت، حساب های دریافتنی و موجودی ها
۲. سهم سرمایه گذاری در دارایی جاری: ۵۰٪
۳. متغیر بودن میزان سرمایه گذاری در دارایی جاری به صورت روزانه
۴. کسب سود دارایی جاری می تواند پرهزینه باشد.
۵. عدم توجه به تغییر سریع دارایی جاری باعث کاهش سود می شود.
۶. ۳ جنبه هر دارایی: الف. ویژگی اصلی و نحوه کاربرد در شرکت ب. هزینه و فایده سرمایه گذاری در داراییها ج. مخاطره سرمایه گذاری هر یک از داراییها
۷. اصول سرمایه گذاری در دارایی جاری:

۱. مقدار سرمایه گذاری در دارایی جاری در حال تغییر: استفاده از متوسط میزان سرمایه گذاری در یک دوره خاص برای تجزیه و تحلیل
۲. میزان سرمایه گذاری و نوع دارایی جاری، متغیرهای مهم تصمیم گیری اند.
۳. مستقل نبودن تصمیم درباره سرمایه گذاری در یک نوع دارایی جاری از دیگر (سطوح مختلف سرمایه گذاری در دارایی جاری وجود دارد).
۸. مسئله سرمایه گذاری در دارایی جاری: ارزیابی تعداد زیادی از فرصت های سرمایه گذاری مانع الجمع
۹. حل مسائل مربوط به دارایی جاری: پیش بینی هزینه و فایده هر بدیل ← محاسبه خالص ارزش فعلی هر بدیل با هزینه سرمایه ← انتخاب بدیل با بزرگترین ارزش فعلی
۱۰. در حل مسائل دارایی جاری: به جای ارزش فعلی خالص: استفاده از روش سود خالص حداکثری

ارتباط بین سود خالص و ارزش فعلی خالص

۱. سرمایه گذاری قابل برگشت: سرمایه گذاری که دارای بهره است و هر وقت بخواهیم می توانیم اصل سرمایه را پس بگیریم. (زمان نامفهوم)
۲. مصداق سرمایه گذاری قابل برگشت: حساب پس انداز
۳. دارایی های جاری را سرمایه گذاری قابل برگشت در نظر می گیریم.
۴. تفسیر خالص ارزش فعلی، سرمایه گذاری قابل برگشت مشکل است، چون زمان غیرقابل تشخیص است. (دوره ها، n)
۵. خالص ارزش فعلی به دوره زمانی بستگی دارد.
۶. در سرمایه گذاری قابل برگشت، زمان پایان سرمایه گذاری اهمیت ندارد.

۷. خالص ارزش فعلی قابل برگشت، مانند زمانی است که مادام العمر باشد.

$$NPV = \frac{CF}{i} - I$$

۸. سود خالص سرمایه گذاری قابل برگشت:

(نرخ تنزیل \times اصل سرمایه) - جریان نقدینه سالانه = سودخالص

۹. بخش دوم فرمول (نرخ تنزیل \times اصل سرمایه) مربوط به هزینه سرمایه می باشد که باید از سود خالص کسر گردد.

۱۰. سود خالص هر دوره ی هر بدیل: معیار مناسب برای انتخاب بدیل در سرمایه گذاری قابل برگشت

۱۱. جریان نقدینه بعد از کسر مالیات می باشد. یعنی در $(1 - T)$ ضرب میکنیم. در پایین آمده است.

۱۲. سرمایه گذاری با بالاترین سودخالص هر دوره \leftarrow بدست دادن ارزش فعلی خالص بالاتر

۱۳. ارزش فعلی خالص = 0 (صفر) \leftarrow سودخالص = صفر

۱۴. بسیاری از تصمیمات مربوط به دارایی جاری: حداقل کردن هزینه ها

۱۵. سود خالص و هزینه کل:

(مبلغ سرمایه گذاری) $K - (1 - T)$ (هزینه نقدی - درآمدهای نقدی سالانه) = سودخالص

(مبلغ سرمایه گذاری) $K +$ (هزینه نقدی سالانه) $(1 - T)$ = هزینه کل

(مبلغ سرمایه گذاری) $K =$ هزینه سرمایه

T : نرخ مالیات

K : نرخ تنزیل سرمایه گذاری

۱۶. در مورد دارایی جاری: سیاستی که سود را حداکثر یا هزینه کل را حداقل کند.

۱۷. فرض تصمیم گیری در موردی دارایی های جاری: مستقل بودن تصمیم گیری ها.

مثال:

سود خالص را با فرض نرخ تنزیل ۱۰ درصد در سال و نرخ مالیات ۳۰ درصد برای مورد زیر محاسبه کنید:

سرمایه گذاری قابل برگشت به میزان ۲۰۰۰ واحد پولی که ۱۲۰۰ واحد درآمد نقدی اضافی سالیانه و ۴۰۰ واحد پولی هزینه نقدی اضافی سالیانه ایجاد می کند:

از فرمول سودخالص استفاده می کنیم:

(مبلغ سرمایه گذاری) $K - (1 - T)$ (هزینه نقدی - درآمدهای نقدی سالانه) = سودخالص

واحد پولی $360 = (2000) \cdot 10\% - (1200 - 400) \cdot (1 - 30\%)$ = سودخالص

مثال دوم:

مدیر فروشگاهی در موجودی انبار دو کالای الف و ب را ارزیابی می کند، اطلاعات مربوط در جدول زیر آمده است:

الف	ب
متوسط سرمایه گذاری	۲۰۰۰ واحد
درآمد ماهانه	۸۰۰
هزینه نقدی ماهانه	۳۹۰

نرخ تنزیل این سرمایه گذاری یک درصد در ماه و نرخ مالیات ۳۰ درصد است. ۶ ماه بعد موجودی کالای الف و ب به صفر می رسد.

۱. سود خالص ماهانه برای نگهداری دو کالا را حساب کنید.

*جواب: چون نرخ مالیات سالیانه می باشد، باید نرخ مالیات را به ماهانه تبدیل کنیم، پس نرخ مالیات را بر عدد ۱۲ تقسیم می کنیم تا نرخ مالیات ماهانه بدست بیاید.

$$\text{نرخ مالیات} = \frac{30\%}{12} = 2.5\% = 0.025$$

با جایگذاری داده ها در فرمول سود خالص می توان سود خالص الف و ب را اینگونه محاسبه کرد:

$$(\text{مبلغ سرمایه گذاری}) - K(1 - T) - (\text{هزینه نقدی} - \text{درآمدهای نقدی سالانه}) = \text{سودخالص}$$

$$\text{سودخالص الف} = (400 - 200)(1 - 0.025) - 0.01(1000) = 380$$

$$\text{سودخالص ب} = (800 - 390)(1 - 0.025) - 0.01(2000) = 379.75$$

الف بهتر است، چون سودخالص بالاتری دارد.

۲. ارزش فعلی خالص سرمایه گذاری در دو کالا را حساب کنید.

**چون می دانیم که بعد از ۶ ماه موجودی تمام خواهد شد از فرمول کلی NPV استفاده می کنیم.

$$NPV = CF \left[\frac{1 - \frac{1}{(1+i)^n}}{i} \right] - I$$

$$NPV_{\text{الف}} = (400 - 200) \left[\frac{1 - \frac{1}{(1+0.01)^6}}{0.01} \right] - 1000 = (400 \times 5.7955) - 1000 = 1318.2$$

$$NPV_{\text{ب}} = (800 - 390) \left[\frac{1 - \frac{1}{(1+0.01)^6}}{0.01} \right] - 2000 = (410 \times 5.7955) - 2000 = 379.15$$

باز هم الف بهتر است چون ارزش فعلی سرمایه گذاری الف از ب بهتر است. در نظر داشته باشیم که اگر مدت سرمایه گذاری را ندهد از فرمول مربوط به سرمایه گذاری قابل برگشت استفاده می کنیم. (اول صفحه قبل)

موجودی‌ها

۱. دو مسئله مرتبط با موجودی: تعیین سطح مناسب سرمایه گذاری در موجودی، میزان موجودی نگهداری شده در هر دوره
۲. نگهداری موجودی به مقاصد مختلف صورت می‌گیرد.
۳. سه نوع موجودی اصلی شرکت‌ها: ۱. مواد خام ۲. کار در جریان ساخت ۳. کالای ساخته شده
۴. طبقه بندی یک موجودی بستگی به فعالیت شرکت دارد.
۵. عمده فروشان و خرده فروشان: نگهداری کالا به صورت ساخته شده

تصمیم اصلی در مورد موجودی‌ها

۱. دو ویژگی مهم موجودی‌ها: ۱. هزینه بر بودن کسب موجودی ۲. هزینه دار بودن نگهداری موجودی
۲. موجودی‌ها مستمرا در حال مصرف شدن هستند.
۳. نرخ کاهش موجودی بر اثر استفاده = نرخ استفاده یا فروش = برحسب s واحد کالا در سال = میزان کالای مورد نیاز در یک بازه زمانی (سال)
۴. مقدار سفارش در هر سفارش = Q = مقدار تقاضا
۵. اگر نرخ استفاده ثابت باشد «سفارش کالا در فواصل زمانی برابر، برای دریافت کالا قبل از اتمام آن

$$\text{موجودی پایان دوره} + \text{موجودی اول دوره} = \frac{Q}{2} = \frac{\text{مقدار متوسط موجودی انبار}}{2}$$

$$Q = \text{مقدار سفارش} = \text{مقدار مصرف هر بازه زمانی برابر}$$

$$C = \text{هزینه خرید هر واحد کالا}$$

$$I = \frac{CQ}{2} = \text{متوسط سرمایه گذاری در موجودی}$$

۶. از نظر مسئول اداره موجودی‌ها: تصمیم اصلی مقدار سفارش Q و زمان سفارش کالا.

۷. از نظر مسئول مالی: تصمیم اصلی: مقدار سرمایه گذاری در موجودی $\frac{CQ}{2}$

هزینه های موجودی

۱. هزینه های موجودی: هزینه خرید کالا و تخفیفات مقداری، هزینه سفارش، هزینه نگهداری، هزینه سرمایه

هزینه خرید کالا و تخفیفات مقداری:

۲. هزینه خرید کالا مربوط به هزینه پرداختی بابت خرید کالا است.
 ۳. هزینه خرید = پرداخت نقدی برای خرید کالا
 ۴. میزان استفاده در سال = نرخ استفاده = s
 ۵. گاهی نرخ مصرف، سالانه یا ماهانه داده می شود.
 ۶. هزینه خرید هر واحد = C
 ۷. اگر کالای مورد نظر، ساخته شده باشد، c برابر با بهای تمام شده یک واحد کالای ساخته شده است.
- $$CS = (\text{نرخ استفاده } S) \times (\text{هزینه خرید هر واحد } c) = \text{هزینه خرید}$$

۸. رابطه بین هزینه خرید و قیمت خرید مستقیم است.
۹. اگر s و c به میزان Q بستگی نداشته باشد: میزان هزینه خرید، Q را تحت تاثیر قرار نمی دهد.
۱۰. هزینه خرید مقدار ثابتی است و به تصمیم گیری در موجودی ربطی ندارد: در تصمیم گیری صرف نظر می شود.
۱۱. هزینه خرید ممکن است به خاطر تخفیف برای خرید مقادیر زیاد تغییر کند. (s) ثابت است. c تغییر می کند.
۱۲. تخفیف مقداری: کاهش قیمت سفارشات زیاد از یک حداقل تعیینی در هر زمان
۱۳. تخفیف مقداری: درصد کاهش قیمت
۱۴. تخفیفات برای سطوح مختلف Q متفاوت است.
۱۵. تخفیفات مقداری: ارائه به خاطر صرفه جویی در هزینه فروشنده: کاهش هزینه نگهداری
۱۶. تاثیر تخفیفات مقداری: هزینه خرید cs تحت تاثیر سفارش Q قرار می گیرد.
۱۷. هنگام تجزیه و تحلیل تصمیم اصلی: نرخ استفاده ثابت فرض می شود.

هزینه سفارش:

۱. هزینه سفارش: با مقدار سفارش تغییر می کند.
 ۲. الگوی اصلی: هرگاه شرکت سفارشی می دهد، متحمل هزینه ثابت می گردد.
 ۳. هزینه سفارش: هزینه حمل و نقل، هزینه دفتری ارائه فروش، هزینه قرار دادن کالا در انبار، هزینه نیروی کار تنظیم ماشین
 ۴. عوامل موثر در هزینه سفارش: ۱. تعداد سفارش در هر دوره ۲. هزینه هر سفارش
 ۵. تعداد سفارش در هر دوره برابر با تقسیم نرخ استفاده بر مقدار هر سفارش می باشد.
- فرمول هزینه سفارش:

$$\text{تعداد سفارش هر دوره} = \frac{\text{نرخ استفاده سالانه}}{\text{مقدار هر سفارش}} = \frac{s}{Q}$$

$$f = \text{هزینه هر سفارش}$$

$$\text{هزینه سفارش کل} = \frac{fS}{Q}$$

هزینه نگهداری:

۱. هزینه نگهداری: هزینه نگهداری موجودی در انبار
 ۲. هزینه نگهداری: ۱. هزینه انبار ۲. بیمه آتش سوزی ۳. عوارض و مالیات املاک ۴. ضایعات انبار
 ۳. هزینه نگهداری به صورت درصدی از متوسط سرمایه گذاری در موجودی بیان می شود.
 ۴. نرخ هزینه نگهداری $h =$ جمع نرخ هزینه انواع مختلف هزینه نگهداری
- $$\frac{hCQ}{2} = \text{متوسط سرمایه گذاری در موجودی} \times \text{نرخ هزینه نگهداری} = \text{هزینه نگهداری سالانه}$$

هزینه سرمایه:

۱. هزینه سرمایه: حداقل بازده پولی سالانه مورد انتظار از پولی ست که صرف نگهداری موجودی شده.

۲. یک سرمایه گذاری قابل برگشت را براساس کل هزینه آن ارزیابی می کنند.

$$k \frac{CQ}{2} = \text{متوسط سرمایه گذاری در موجودی} \times \text{نرخ تنزیل} = \text{هزینه سرمایه}$$

هزینه کل موجودی در سال:

$$\text{هزینه کل} = (1 - T) \left(CS + \frac{fS}{Q} + \frac{hCQ}{2} \right) + k \frac{CQ}{2}$$

۳. دلیل اینکه مالیات از هزینه سرمایه کسر نمی گردد: نرخ تنزیل، نرخ بازدهی بعد از مالیات می باشد.

۴. متغیر تصمیم گیری در فرمول هزینه کل: Q: هدف حداقل کردن هزینه

مثال:

شرکت سپهر به طور ماهانه ۱۲۰ واحد محصول می فروشد و در هر بار سفارش ۲۵۰ واحد محصول سفارش میدهد. قیمت هر واحد محصول، ۳۵۰۰۰۰ ریال، هزینه هر بار سفارش ۱۰۰۰۰۰۰ ریال و هزینه نگهداری ۱۵٪ سرمایه گذاری در موجودی در سال، نرخ بازدهی ۱۶٪ و نرخ مالیات ۴۰٪ می باشد:

الف: متوسط سرمایه گذاری در موجودی کالا

ب. هزینه سفارش هر سال

ج. هزینه نگهداری

د. هزینه سرمایه

ه. جمع هزینه موجودی کالا

چون نرخ استفاده را ماهانه داده است، به ۱۲ ضرب می کنیم تا سالانه بدست بیاید. با جایگذاری اعداد در فرمول - های بالا جواب ها را پیدا کنید.

نرخ استفاده = s	۱۲۰ * ۱۲ = ۱۴۴۰
مقدار سفارش = Q	۲۵۰ واحد
قیمت هر واحد = C	۳۵۰۰۰۰ ریال
هزینه سفارش = f	۱۰۰۰۰۰۰ ریال
هزینه نگهداری = h	۱۵٪
نرخ بازدهی (تنزیل) = K	۱۶٪
نرخ مالیات = T	۴۰٪

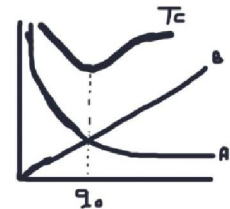
روش حداقل کردن هزینه موجودی

۱. الگوی مقدار سفارش اقتصادی: EOQ: اگر هزینه خرید با مقدار سفارش تغییر نکند، می توان از این فرمول که همان مقدار بهینه سفارش می باشد استفاده کرد. (هزینه خرید صرف نظر می شود)

$$EOQ = \sqrt{\frac{2(1-t)fs}{(1-t)hc + kc}}$$

مقدار بهینه سفارش: مقدار سفارشی که در آن هزینه کل حداقل است.

مقدار بهینه سفارش: هزینه نگهداری = هزینه سفارش



A: هزینه سفارش . B: هزینه نگهداری

۲. الگوی مقدار بهینه سفارش تنها در مواقعی کاربرد دارد که هزینه خرید تحت تاثیر Q قرار نگیرد.

در صورت وجود تخفیفات نقدی: ساده ترین روش: محاسبه هزینه کل در سطوح مختلف Q و انتخاب کمترین از میان آنها.

- تصمیم اصلی موجودی ها: یافتن مقدار سفارش یا سرمایه گذاری که هزینه را حداقل کند.

- سفارشات کوچک و متناوب: هزینه سرمایه گذاری و هزینه سرمایه کم: هزینه سفارش بالا.

مثال:

با مفروضات زیر مقدار اقتصادی سفارش را بیابید:

نرخ استفاده s=	۱۸۰۰
مقدار سفارش Q=	۱۵۰
هزینه سفارش f=	۴۵
هزینه نگهداری h=	۵٪
نرخ بازدهی (تنزیل) K=	۱۸٪
نرخ مالیات	۳۰٪
متوسط سرمایه گذاری در موجودی	۱۸۷۵

چون C را نداده است، با استفاده از فرمول زیر

$$\frac{CQ}{2} = \text{متوسط سرمایه گذاری در موجودی}$$

قیمت خرید (C) را محاسبه کرده و اعداد را در فرمول

$$EOQ = \sqrt{\frac{2(1-t)fs}{(1-t)hc + kc}}$$

گذاشته و مقدار اقتصادی سفارش (EOQ) را محاسبه می کنیم.

مزایای سرمایه گذاری در موجودی ها

۱. مزایای سرمایه گذاری در موجودی ها: الف. اجتناب از کمبود موجودی ها ب. مزایای بازاریابی ج. سفته بازی روی موجودی ها

اجتناب از کمبود موجودی:

۲. فرض الگوی اصلی: مشخص بودن نرخ استفاده و زمان دقیق دریافت کالا
۳. کمبود موجودی ها پرهزینه است: باعث کاهش سود و اعتبار و توقف تولید
۴. راه حل اجتناب از کمبود موجودی: نگهداری موجودی احتیاطی در شرکت
۵. عامل های موثر در موجودی احتیاطی: نرخ استفاده، زمان مورد انتظار دریافت سفارش، هزینه کمبود موجودی
۶. مزیت موجودی احتیاطی: جلوگیری از کمبود موجودی ناشی از تقاضای پیش بینی نشده، محافظت شرکت از تاخیر در تحویل کالا

۷. افزایش مقدار موجودی با عنوان موجودی احتیاطی: کاهش کمبود موجودی
 ۸. اگر نرخ استفاده و زمان تحویل به دقت پیش بینی شود: هزینه کمبود موجودی کم: موجودی احتیاطی صفر
- هزینه سرمایه + (هزینه نگهداری موجودی احتیاطی + هزینه مورد انتظار کمبود موجودی) $(1 - T)$ = هزینه موجودی احتیاطی
- تعداد موجودی احتیاطی \times قیمت خرید هر واحد موجودی = سرمایه گذاری در موجودی احتیاطی
- $h \times$ سرمایه گذاری در موجودی احتیاطی = هزینه نگهداری
- $k \times$ سرمایه گذاری در موجودی احتیاطی = هزینه سرمایه موجودی احتیاطی
- سطحی از سرمایه گذاری مورد نظر است که هزینه کل را حداقل کند.

مزایای بازاریابی:

۱. چه اقلامی در انبار نگهداری شود.
۲. شرکت تولیدی: ضروری بودن برخی مواد اقلام خام و کار در جریان ساخت
۳. عوامل موثر در نگهداری کالای ساخته شده: تناوب سفارشات، زمان مورد نیاز تولید کالا، میزان اهمیت تحویل سریع کالا به مشتریان، هزینه نگهداری، دسترس بودن.
۴. هرچه تعداد اقلام نگهداری افزایش: فروش همه اقلام افزایش.

سفته بازی در موجودی ها:

۵. سفته بازی در موجودی: افزایش سریع قیمت موجودی: سرمایه گذاری بیشتر از مقدار بهینه براساس حداقل هزینه
۶. انتظار افزایش قیمت: سفارش بیشتر
۷. سفته بازی موجودی: سرمایه گذاری اضافی در اثر افزایش سریع قیمت ها
۸. مدیر مالی سفته بازی را در حد محافظه کارانه نگه می دارد.

مثال:

مدیر فروش شرکتی مسئله زیان شرکت در وضعیت های کمبود کالا و عدم توانایی در پاسخگویی به سفارش مشتریان را بررسی میکند. تخمین های زیر ناشی از کاهش فروش و میزان متوسط موجودی نگهداری شده به عنوان موجودی احتیاطی می باشد:

حالت الف	حالت ب	
۱۰۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰	موجودی احتیاطی
۵۰۰۰۰۰	۰	فروش از دست رفته در اثر عدم نگهداری موجودی

سود خالص قبل از پرداخت مالیات ناشی از فروش اضافی، ۲۰ درصد فروش تخمین زده میشود. هزینه نگهداری موجودی ۵٪ سرمایه گذاری در موجودی هاست. نرخ مالیات شرکت ۳۰ درصد و به عقیده مدیر مالی نرخ تنزیل ۱۰ درصد برای سرمایه گذاری در موجودی ها نرخ مناسب است. به عنوان مدیر مالی شرکت کدام یک از حالت های الف یا ب را برای نگهداری موجودی پیشنهاد می کنید؟

***جواب: چنانچه در بخش اجتناب از کمبود موجودی ها گفته شد، در تجزیه و تحلیل میزان موجودی احتیاطی به دنبال این هستیم که کدام یک از بدیل های موجود (الف و ب) هزینه کمتری را به شرکت تحمیل می کند. برای تحلیل، باید میزان سرمایه گذاری در موجودی احتیاطی، زیان (هزینه) حاصل از عدم نگهداری موجودی احتیاطی، و هزینه نگهداری و هزینه سرمایه را داشته باشیم.

میزان سرمایه گذاری در موجودی احتیاطی حالت الف	۱۰۰۰۰۰
میزان سرمایه گذاری در موجودی احتیاطی حالت ب	۱۵۰۰۰۰
هزینه نگهداری $h=$	۵٪
زیان عدم نگهداری	؟
نرخ مالیات	۳۰٪
نرخ تنزیل	۱۰٪

در این سوال به جای زیان عدم نگهداری، فروش از دست رفته را داده است که درصدی از این فروش، سود از دست رفته یا به عبارتی زیان می باشد. بنابراین زیان عدم نگهداری را اینگونه محاسبه

می کنیم:

$$\text{زیان عدم نگهداری موجودی احتیاطی حالت الف} = ۱۰۰۰۰۰ = ۲۰\% \times ۵۰۰۰۰۰$$

$$\text{زیان عدم نگهداری موجودی احتیاطی حالت الف} = ۰ = ۲۰\% \times ۰$$

حال با داشتن زیان نگهداری هر کدام از بدیل ها، با جایگذاری در فرمول های زیر محاسبه میشود:

$$\text{هزینه سرمایه} + (\text{هزینه نگهداری موجودی احتیاطی} + \text{هزینه مورد انتظار کمبود موجودی}) (1 - T) = \text{هزینه موجودی احتیاطی}$$

$$۲۰۵۰۰ = ۱۰\% \times ۱۰۰۰۰۰ + (۵\% \times ۱۰۰۰۰۰ + ۱۰۰۰۰) (1 - ۰/۳) = \text{هزینه موجودی احتیاطی الف}$$

$$۲۰۲۵۰ = ۱۰\% \times ۱۵۰۰۰۰ + (۵\% \times ۱۵۰۰۰۰ + ۰) (1 - ۰/۳) = \text{هزینه موجودی احتیاطی ب}$$

حالت ب ترجیح داده میشود.

مخاطره سرمایه گذاری در موجودی ها

۱. عمده ترین مخاطره: احتمال کاهش قیمت بازار موجودی تا حد پایین تر از قیمت خرید آن
۲. مخاطره کاهش قیمت موجودی به نوع کالا بستگی دارد
۳. دلیل کاهش ارزش کالای ساخته شده: تغییرات تکنولوژی: عدم فروش یا کاهش آن
۴. کالای مربوط به مد و سلیقه مخاطره بالایی دارد.
۵. محصولات کشاورزی هم مخاطره بالایی دارد.

مدیریت حساب های دریافتنی:

۱. حساب دریافتنی: کل اعتبارات اعطائی به مشتریان
۲. ح دریافتنی: صورتحساب های پرداخت نشده به شرکت
۳. دو بخش ارزش پولی ح دریافتنی: ۱. معرف هزینه های نقدی شرکت برای تامین کالای فروخته شده (سرمایه گذاری واقعی شرکت در ح دریافتنی*) ۲. تفاوت بین هزینه نقدی و قیمت فروش کالا (سود حسابداری)
۴. ح دریافتنی: تبدیل یک دارایی به دارایی دیگر مالی
۵. تصمیم اصلی در مورد ح دریافتنی: مقدار و شرایط دادن اعتبار به مشتری
۶. شرکت به سه گروه اعتبار می دهد: سایر شرکت ها، افراد، واحدهای دولتی
۷. تجار کوچک، مستقیماً اعتبار نمی دهند: کارت اعتباری می پذیرند: برای بازرگان ح دریافتنی ایجاد نمی کند.
۸. اساس تصمیمات اعتبار دهی: ارزیابی اعتبار دهنده از توانایی پرداخت بدهی
۹. تعیین حداکثر اعتبار اعطائی به مشتری: محدود سازی مخاطره عدم پرداخت
۱۰. مزیت اعتباردهی: ۱. فروش اضافی ۲. دریافت بهره اضافی به خاطر اعتباردهی
۱۱. ارزیابی مخاطره: ارزیابی کمی احتمال عدم پرداخت بهای کالایی که مشتری نسیه خریداری کرده.
۱۲. مشتری متقاضی اعتبار باید اطلاعات خود را برای ارزیابی ارائه کند.

اعتبار تجاری:

۱۳. در معاملات بین شرکت ها، خریدار پول را فوراً نمی دهد.
۱۴. شرایط اعتبار: اگر در یک بازار رقابتی خاص باشد، توسط بازار تعیین میشود.
۱۵. مدیر باید سود بالقوه حاصل از فروش کالا را در نظر بگیرد.

ویژگی مشتری:

۱. مهمترین ویژگی مشتری: تمایل به پرداخت بدهی
۲. توانایی مشتری برای پرداخت بدهی: مشخص شدن از جریان نقدینه
۳. شرایط کلی اقتصادی و وضعیت اشتغال مشتری
۴. دارایی هایی که مشتری می تواند به عنوان وثیقه دهد.

سیاست اعتباری:

۱. تصمیم درمورد اعطای اعتبار به مشتری خاص: بستگی به سیاست کلی شرکت
۲. سیاست سختگیرانه در اعطای اعتبار: فروش کم

مخاطره حساب های دریافتنی

۱. ح دریافتنی: دارایی دارای مخاطره کم
۲. مخاطره ح دریافتنی: عدم پرداخت بدهی توسط مشتری
۳. زیان عادی را می توان به عنوان هزینه اعتباردهی در نظر گرفت.

کنترل حساب های دریافتنی:

۱. مسئله مورد توجه مدیر مالی در مورد حساب های دریافتنی: عادت پرداخت مشتریان
۲. هرچه سرعت پرداخت مشتریان کمتر باشد: سرمایه گذاری در ح دریافتنی بیشتر
۳. متوسط دوره وصول مطالبات: معیاری ساده برای محاسبه تعداد روزهایی که پرداخت مشتریان طول می کشد.

$$\text{متوسط دوره وصول مطالبات} = \frac{\text{مانده آخر دوره} + \text{مانده اول دوره}}{2} = \frac{\text{متوسط مانده حسابهای دریافتنی}}{\text{فروش نسبه روزانه}}$$

$$\text{هزینه های عملیاتی} = \frac{\text{متوسط مانده حساب های دریافتنی}}{\text{مبلغ فروش}} \times \text{سرمایه گذاری در حساب های دریافتنی}$$

۴. حسابهای بیش از ۶۰ روز طول عمر حائز اهمیت: احتمال عدم پرداخت بیشتر.

مثال:

شرکتی محصولی را به بازار عرضه میکند که هزینه مستقیم تولید آن معادل ۶۰٪ قیمت فروش است. هزینه حمل و نقل و سایر هزینه های فروش بالغ بر ۱۵٪ قیمت فروش می باشد. فروش های شرکت معمولاً نسیه انجام میشود و متوسط دوره وصول مطالبات برابر با ۶۰ روز می باشد. فروش ماهانه شرکت در حال حاضر ۲ میلیون ریال می باشد. مطلوب است مبلغ سرمایه گذاری واقعی در حساب های دریافتنی.

*جواب: در صفحات قبلی گفته شد که حساب های دریافتنی شامل دو بخش می باشد که هزینه های انجام گرفته برای تهیه کالا یا خدمات، سرمایه گذاری اصلی در حساب های دریافتنی می باشد. بنابراین:

$$6000000 = \text{مانده} \rightarrow \frac{2000000}{30} = 60 \rightarrow \frac{\text{متوسط مانده حسابهای دریافتنی}}{\text{فروش نسبه روزانه}} = \text{متوسط دوره وصول مطالبات}$$

$$3000000 = \text{سرمایه گذاری} \rightarrow \frac{(15\% + 60\%) \times 2000000}{2000000} \times \frac{\text{هزینه های عملیاتی}}{\text{مبلغ فروش}} \times \text{متوسط مانده حساب های دریافتنی} = \text{سرمایه گذاری در حساب های دریافتنی}$$
$$= 3000000$$

وجوه نقد

۱. وجه نقد: مانده چک و پول (فرض بر این هست که تمامی پرداختها و دریافتها توسط چک انجام می گیرد)
۲. مدیریت وجوه نقد: ۱. مدیریت پرداخت و دریافت ۲. حفظ مقدار مناسب وجه نقد ۳. سرمایه گذاری وجه نقد در اوراق ۴. تصمیم در مورد اخذ وام کوتاه مدت
۳. چرخه وجه نقد: بررسی فرآیند ایجاد جریان ورودی و خروجی نقدینه
۴. تاریخ صورت حساب: تاریخ ارسال کالا
۵. فاصله بین سفارش کالا و دریافت کالا از نظر مدیریت موجودی ها حائز اهمیت است.
۶. مدیریت وجوه نقد از زمان دریافت کالا آغاز می شود
۷. تعیین کننده زمان بین دریافت کالا و پرداخت وجه: شرایط اعتباری فروشنده کالا و ملاحظات دیگر

۸. متوسط دوره پرداخت: متوسط زمان مور انتظار قبل از پرداخت

$$\text{متوسط دوره پرداخت} = \frac{\text{متوسط مانده حساب های پرداختنی}}{\text{خرید نسبه روزانه}}$$

۹. اغلب شرکت ها، پرداخت ها را از طریق پست چک، مبلغ صورت حساب را تصفیه می کنند.

۱۰. تا زمان پرداخت می توان از وجوه نقد استفاده کرد.

۱۱. کالای دریافتی معمولاً تا زمان فروش در انبار باقی می ماند.

۱۲. متوسط دوره موجودی: متوسط زمان نگهداری کالا در انبار

$$\text{متوسط دوره موجودی} = \frac{\text{متوسط مانده موجودی بهای تمام شده کالای فروش رفته روزانه}}{\text{بهای تمام شده کالای فروش رفته روزانه}}$$

۱۳. دوره وصول مطالبات شامل دو جز است: دوره پرداخت مشتری (فاصله زمانی بین دریافت کالا و ارسال چک) و زمان پست (F)

۱۴. زمان پردازش (G): زمان بین دریافت چک و انجام ثبت های مربوط و تحویل چک به بانک برای سپرده گذاری

۱۵. زمان در دسترس بودن (H): فاصله زمانی بین سپرده گذاری چک و واریز آن به حساب

۱۶. دوره چرخه وجه نقد: کل فاصله زمانی بین پرداخت وجه به فروشندگان و واریز وجه به حساب شرکت.

۱۷. هرچه دوره چرخه نقد بیشتر باشد: سرمایه گذاری وجه نقد در دارایی جاری شرکت بیشتر

متوسط دوره چرخه وجه نقد = متوسط دوره وصول مطالبات + متوسط دوره موجودی - متوسط دوره پرداخت

مثال:

با استفاده از اطلاعات زیر، دوره چرخه وجه نقد را تعیین کنید:

ارقام ابتدای دوره	ارقام انتهای دوره	
۲۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰	حساب های دریافتنی
۳۵۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰	حساب های پرداختنی
۳۰۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰	موجودی کالا
-	۶۰۰۰۰۰۰	خریدهای نقدی
-	۱۰۸۰۰۰۰۰	خرید های نسبه
-	۱۰۰۰۰۰۰۰	فروش نقدی
-	۷۲۰۰۰۰۰۰	فروش نسبه

درصد سود ناویژه به فروش طی سال جاری برابر با ۲۵ درصد می باشد.

$$\text{مانده آخر دوره} + \text{مانده اول دوره} = \frac{\text{متوسط مانده حسابهای دریافتنی}}{\text{فروش نسبه روزانه}} = \frac{2000000 + 3000000}{2} = \frac{5000000}{2} = 2500000$$

$$\text{متوسط مانده حسابهای پرداختنی} = \frac{3500000 + 2500000}{2} = \frac{6000000}{2} = 3000000$$

$$\text{متوسط مانده موجودی} = \frac{3000000 + 2000000}{2} = \frac{5000000}{2} = 2500000$$

$$\text{سود ویژه} = \frac{25\%}{\text{فروش کل}} \rightarrow 25\% \times (10000000 + 7200000) = 2300000$$

$$\text{بهای تمام شده فروخته شده} = 17200000 - 2300000 = 14900000$$

متوسط دوره چرخه وجه نقد = متوسط دوره وصول مطالبات + متوسط دوره موجودی - متوسط دوره پرداخت

$$95 = 100 - 70 + 125 =$$

مدیریت وجوه نقد

۱. دو هدف: ۱. افزایش سرعت وصول وجه نقد از مشتریان برای در دسترس گیری ۲. کنترل پرداخت به فروشندگان و سایرین برای باقی ماندن وجه نقد در شرکت
۲. افراد: چک ها را با حداکثر سرعت ممکن سپرده گذاری می کنند و صورتحساب را تا حد امکان دیر پرداخت می کنند.
۳. شرکتها: زمان اعطای اعتبار به دیگران را حداقل و زمان دریافت اعتبار از دیگران را حداکثر می سازند.
۴. اعتبار بدون هزینه = اعتبار شناور
۵. اعتبار شناور = پول در جریان
۶. اعتبار شناور: برحسب ارزش پولی روز اندازه گیری می شود.
۷. اعتبار شناور = زمان (روز) * ارزش پولی
۸. اعتبار شناور مستقیماً قابل تبدیل به مانده نقدی است.
۹. کاهش اعتبار شناور وصولی به میزان ۱ واحد پولی به معنای افزایش ۱ واحد پولی وجه نقد در دسترس.
۱۰. انواع اعتبار شناور: اعتبار شناور وصولی، اعتبار شناور پرداخت

اعتبار شناور وصولی

۱۱. اعتبار شناور وصولی: پول در جریان دریافت از مشتری
۱۲. اعتبار شناور وصولی: ناشی از فاصله زمانی پست کردن چک توسط مشتری، پردازش و در دسترس بودن
۱۳. زمان آغاز اعتبار شناور وصولی: پست کردن چک توسط خریدار (مشتری)
۱۴. سه جز اعتبار شناور وصولی: ۱. شناور پستی ۲. شناور پردازش ۳. شناور دسترسی
۱۵. شناور پستی: ناشی از زمان پست = ارزش پولی چک * زمان پست
- شناور پردازش: ناشی از زمان پردازش = ارزش پولی چک * زمان پردازش
- شناور دسترسی: ناشی از زمان در دسترس بودن وجه نقد = ارزش پولی چک * زمان دسترسی
- اعتبار شناور وصولی = ارزش پولی چک * (زمان پست + زمان پردازش + زمان دسترسی)
۱۶. کاهش اعتبار شناور وصولی: راه های کاهنده فواصل زمانی: مانند استفاده از صندوق پستی.
۱۷. کاهش زمان دسترسی با حواله بانکی برای کاهش اعتبار شناور وصولی
۱۸. یکی از مهم ترین کارهای شرکت برای کاهش اعتبار شناور وصولی: حصول اطمینان از سریع بودن سپرده گذاری چک های دریافتی در بانک
۱۹. عوامل موثر در زمان دسترسی: رابطه شرکت با بانک، محل جغرافیایی بانک متعهد پرداخت
۲۰. مانده نقد ترانزنامه = مانده ح دیداری + چک سپرده گذاری شده واریز نشده + چک سپرده گذاری نشده - چک نوشته شده به مشتری ارائه نشده
۲۱. چک سپرده گذاری شده واریز نشده: شناور دسترسی

۲۲. چک سپرده گذاری نشده: شناور پردازش

مثال:

شرکت نوید روزانه ۳ میلیون ریال از طریق چک دریافت میکند. زمان پست ۳ روز، زمان پردازش ۲ روز و زمان دسترسی ۴ روز است. اعتبار شناور وصولی چقدر است؟
 اعتبار شناور وصولی = ارزش پولی چک * (زمان پست + زمان پردازش + زمان دسترسی)
 اعتبار شناور وصولی = $3,000,000 * (4 + 2 + 3) = 27,000,000$ ریال

اعتبار شناور پرداخت

۱. اعتبار شناور پرداخت: پول در جریان پرداخت توسط شرکت به کارکنان، فروشندگان، بستانکاران
۲. زمان پرداخت: فاصله زمانی بین پست کردن چک توسط شرکت و برداشت چک از حساب شرکت
۳. شرکت ها تمایل دارند، اعتبار شناور پرداخت بیشتری داشته باشند.
۴. هرچه چک شرکت دیرتر تسویه شود، شرکت مدت زمان زیادی برای استفاده وجه نقد دارد.
۵. کنترل پرداخت برای اجتناب از پرداخت قبل از موعد مهم است.
۶. روش کنترل پرداخت: استفاده از یک یا چند بانک
۷. فرستادن چک از مناطق جغرافیایی دور به بستانکاران

مدیریت مانده وجوه نقد

۱. میزان مانده وجه نقد در حساب: بستگی به مقدار پول در دسترس برای سرمایه گذاری، مقدار وام مورد نیاز
۲. دو دلیل عمده نگهداری پول در حساب ها: ۱. در دسترس بودن وجه نقد ۲. پرداخت کارمزد بانکی
۳. مانده لازم پرداخت خدمات بانکی: وجوهی که به منظور پرداخت به بانک در مقابل خدمات بانکی سپرده گذاری می شود

$$\text{مانده لازم برای پرداخت خدمات بانکی} = \frac{BSC}{ECR} = \frac{\text{کارمزد سالیانه خدمات بانکی}}{\text{نرخ بازده اعتبارات بانکی}}$$

نرخ بهره اسناد خزانه (نسبت ذخیره قانونی بانک ها - ۱) = نرخ بازده اعتبارات بانکی
 دلیل کسر نسبت ذخیره قانونی: بانک ها به میزان (نسبت ذخیره قانونی بانک ها - ۱) می توانند از اعتبارات استفاده کنند.

مثال:

در صورتیکه کارمزد ماهیانه خدمات بانکی ۱۰۰ واحد پولی باشد و نرخ بهره اسناد خزانه ۷٪ باشد و نسبت ذخیره قانونی ۱۰٪ باشد، مانده لازم جهت پرداخت خدمات بانکی چقدر است؟

$$\text{مانده لازم برای پرداخت خدمات بانکی} = \frac{BSC}{ECR} = \frac{\text{کارمزد سالیانه خدمات بانکی}}{\text{نرخ بازده اعتبارات بانکی}} = \frac{100 \times 12}{7\% / (1 - 10\%)} = 19048$$

مانده های معاملاتی:

۱. مانده های نگهداری شده در بانک برای تسهیل پرداخت های روزانه شرکت
۲. شرکت ها باید برای پرداخت چک های صادره، وجه نقد در حساب بانکی خود داشته باشد
۳. مانده در دسترس = مانده در دسترس اول روز + دریافت ها - پرداخت ها
۴. نگهداری زیاد مانده در حساب بانکی: ایجاد هزینه فرصت
۵. میزان مانده معاملاتی باید به میزانی باشد که هزینه های دریافت وام برای کسری موجودی و هزینه فرصت را کم کند.
۶. برای شرکت های بزرگ هزینه نگهداری مانده بیش از هزینه وام گیری است.
۷. مانده معاملاتی به اندازه شرکت بستگی دارد.

کنترل و تمرکز وجوه نقد

۱. نگهداری مانده وجوه نقد در سطح حداقل: شرکت های استفاده کننده از شعب پراکنده
۲. ساده ترین راه کنترل وجوه نقد: تمرکز وجوه نقد
۳. شناسایی مازاد مانده در حساب های بانکی: متمرکز کردن پول در یک حساب بانکی
۴. سریعترین راه انتقال وجه از یک حساب به حساب دیگر: حواله تگرافی: پرهزینه تر از اشکال دیگر
۵. کلیه روش های مدیریت وجوه نقد ایجاد هزینه می کند.
۶. مزیت کنترل: بازده وجوه نقد در دسترس برای سرمایه گذاری در اوراق بهادار، صرفه جویی در هزینه بهره ناشی از کاهش وام گیری

(مبلغ سرمایه گذاری) $K(1 - T) -$ (هزینه نقدی - درآمدهای نقدی سالانه) = سودخالص

(مبلغ سرمایه گذاری) $K +$ (هزینه نقدی سالانه) $(1 - T) =$ هزینه کل

$$I = \frac{CQ}{\gamma} = \text{متوسط سرمایه گذاری در موجودی}$$

$$CS = S(\text{نرخ استفاده}) \times c(\text{هزینه خرید هر واحد}) = \text{هزینه خرید}$$

$$\frac{S}{Q} = \frac{\text{نرخ استفاده سالانه}}{\text{مقدار هر سفارش}} = \text{تعداد سفارش هر دوره}$$

$$\frac{fS}{Q} = \text{هزینه سفارش کل}$$

$$\frac{hCQ}{\gamma} = \text{متوسط سرمایه گذاری در موجودی} \times \text{نرخ هزینه نگهداری} = \text{هزینه نگهداری سالانه}$$

$$\frac{CQ}{\gamma} = k \text{ متوسط سرمایه گذاری در موجودی} \times \text{نرخ تنزیل} = \text{هزینه سرمایه}$$

$$\text{هزینه کل} = (1 - T) \left(CS + \frac{fS}{Q} + \frac{hCQ}{\gamma} \right) + k \frac{CQ}{\gamma}$$

$$EOQ = \sqrt{\frac{2(1 - t)fs}{(1 - t)hc + kc}}$$

(هزینه نگهداری + هزینه مورد انتظار کمبود موجودی) $(1 - T) =$ هزینه موجودی احتیاطی
+ هزینه سرمایه

$$\begin{aligned} \text{متوسط مانده حسابهای دریافتی} &= \frac{\text{فروش نسبی روزانه}}{\text{مانده آخر دوره} + \text{مانده اول دوره}} \\ &= \frac{2}{\text{فروش نسبی سالانه}} \\ &= \frac{360}{\text{روز}} \end{aligned}$$

سرمایه گذاری در حسابهای دریافتی

$$\frac{\text{هزینه های عملیاتی}}{\text{مبلغ فروش}} \times \text{متوسط مانده حسابهای دریافتی} =$$

$$\begin{aligned} \text{متوسط مانده حسابهای پرداختی} &= \frac{\text{خرید نسبی روزانه}}{\text{متوسط مانده موجودی}} \\ &= \frac{\text{بهای مام شده کالای فروش رفته روزانه}}{\text{متوسط دوره موجودی}} \end{aligned}$$

$$\text{کار مزد سالانه خدمات بانکی} = \frac{BSC}{ECR} = \text{مانده لازم برای پرداخت خدمات بانکی}$$

$$\text{نرخ بازده اعتبارات بانکی} = \frac{\text{نرخ بازده اعتبارات بانکی}}{(1 - \text{نسبت ذخیره قانونی بانک ها})}$$

نقد بیشتر میشود.

* کاهش مقدار تقاضا (سفارش): هزینه نگهداری کم و هزینه سفارش زیاد.

* عوامل موثر در حساب دریافتی: مخاطره حساب دریافتی

* انتخاب روش سرمایه گذاری: ریسک سودآوری، ریسک برگشت اصل سرمایه، ریسک زمان برگشت سرمایه

* مزایای سرمایه گذاری در موجودی ها:

اجتناب از کمبود موجودی، مزایای بازاریابی، سفته بازی در موجودی

* تصمیم اصلی درباره موجودی ها: مقدار Q

برای حداقل کردن هزینه ها

* ۲ بخش ارزش پولی حساب های

دریافتی: ۱. معرف هزینه های نقدی شرکت برای تامین

کالای فروش رفته (سرمایه گذاری اصلی در حسابهای

دریافتی) ۲. تفاوت بین هزینه نقدی و قیمت فروش

کالا (سود حسابداری)

* مزیت اعتباردهی: ۱. فروش اضافی ۲. دریافت

بهره اضافی به خاطر اعتباردهی

* مهمترین ویژگی مشتری: تمایل به پرداخت

بدهی

* مزیت سیاست سخت گیرانه در

اعتباردهی: کاهش سرمایه گذاری در موجودی، کاهش

مطالبات مشکوک الوصول، کاهش سرمایه گذاری در

حسابهای دریافتی

* حسابهای دریافتی دارایی با مخاطره کم

* هرچه سرعت پرداخت مشتریان کمتر

باشد: سرمایه گذاری در حسابهای دریافتی بیشتر

* متوسط دوره چرخه وجه نقد = متوسط دوره

وصول مطالبات + متوسط دوره موجودی - متوسط

دوره پرداخت

* هرچه متوسط دوره چرخه وجه نقد بیشتر

باشد، سرمایه گذاری در وجه نقد بیشتر.

* اعتبار بدون هزینه: اعتبار شناور: پول در

جریان وصول یا پرداخت: زمان * مبلغ چک

* کاهش اعتبار شناور وصولی: در دسترس

بودن آن مقدار اعتبار

* اعتبار شناور وصولی = اعتبار شناور

پست + اعتبار شناور پردازش + اعتبار شناور دسترسی

* منحنی هزینه سفارش نزولی است.

* هرچه موجودی کالا بیشتر باشد، دوره وجه

فصل دوم

منبع تامین مالی کوتاه مدت

۱. ۵ جنبه تامین مالی: ۱. هزینه ۲. تاثیر بر ارزش اعتباری شرکت ۳. قابلیت اتکا ۴. محدودیت ۵. انعطاف پذیری
۲. هزینه: کوشش برای حداقل ساختن هزینه تامین مالی
۳. هزینه: انتخاب منبع مالی با نرخ بهره پایین
۴. تاثیر بر ارزش اعتباری شرکت: استفاده از برخی منابع، اعتبار شرکت را افزایش می دهد.
۵. ارزش اعتباری پایین شرکت: محدود کردن دسترسی به منابع، افزایش هزینه تامین مالی
۶. قابلیت اتکا: برخی منابع از نظر دسترسی به وجوه نقد در موقع نیاز قابل اطمینان ترند.
۷. محدودیت های تامین منابع: میزان سود سهام، حقوق مدیران، هزینه های سرمایه ای
۸. انعطاف پذیری: از نظر افزایش یا کاهش اعتبار

منابع اصلی تامین کوتاه مدت

۱. سه منبع اصلی تامین مالی کوتاه مدت: ۱. اعتبار تجاری (تضمین شده) ۲. وام بانکی ۳. اسناد تجاری

اعتبار تجاری

۱. خرید کالا از یک شرکت دیگر: مجبور نبودن به پرداخت فوری بهای آن.
۲. معاملات تجاری عادی بین شرکت ها: برای خریدار: یک منبع تامین مالی کوتاه مدت
۳. دلیل منبع مالی بودن اعتبار تجاری: وجود یک فاصله زمانی بین پرداخت و دریافت
۴. اعتبار تجاری: با افزایش خریدهای شرکت افزایش می یابد.
۵. هزینه استفاده نکردن تخفیفات نقدی: پرداخت پس از دوره تخفیف

تعداد دوره ها در سال \times نرخ هر دوره = نرخ بهره سالانه

$$\text{نرخ بهره سالانه} = \frac{\text{تخفیف}}{\text{دوره تخفیف} - \text{دوره پرداخت}} \times \frac{360}{\text{روز}} = \text{هزینه استفاده نکردن از تخفیف}$$

تخفیف در فرمول فوق بدون (یعنی ۴٪ به صورت ۴ درصد نوشته میشود نه ۰.۴) است.

اگر تعداد روزها را ۳۶۰ روز فرض کنیم از فرمول دوم استفاده میکنیم:

$$\text{نرخ بهره سالانه} = \text{تخفیف} \times \frac{360}{\text{دوره تخفیف} - \text{دوره پرداخت}} = \text{هزینه استفاده نکردن از تخفیف}$$

در این فرمول، تخفیف را به صورت ٪ می نویسیم.

۶. دوره تخفیف برای خریدار هزینه ندارد.
۷. بعد از دوره تخفیف قیمت صورت حساب مقدار اعتبار خریدار است.
۸. بعد از دوره تخفیف: درصد تخفیف به عنوان هزینه محسوب می شود.
۹. تعیین کننده میزان اعتبار تجاری در دسترس شرکت: حجم پولی خریدهای شرکت

۱۰. تامین مالی اعتبار تجاری: در صورتی است که خرید به صورت نسیه باشد.
۱۱. اعتبار تجاری از نظر مقدار محدود است: انعطاف پذیر است.
۱۲. اعتبار تجاری وجه نقد در دسترس قرار نمی دهد.
۱۳. شرکتی که مستمرا صورتحساب خود را پرداخت نکند، ارزش اعتباری پایین دارد.

مثال:

هزینه استفاده نکردن از تخفیف نقدی با شرایط زیر را محاسبه می کنیم:

۲ درصد تخفیف در صورت پرداخت حداکثر ۱۰ روز پس از دریافت صورتحساب، مهلت پرداخت ۳۰ روز

$$\text{هزینه استفاده نکردن از تخفیف} = \frac{\text{تخفیف}}{100 - \text{تخفیف}} \times \frac{365 \text{ روز}}{\text{دوره پرداخت} - \text{دوره تخفیف}}$$

$$\text{هزینه استفاده نکردن از تخفیف} = \frac{2}{100 - 2} \times \frac{365}{30 - 10} = 37/2\%$$

مثال ۲:

بافرض سال ۳۶۰ روز، اگر دوره پرداخت ۷۰ روز و دوره تخفیف ۱۰ روز، نرخ تخفیف ۴ درصد باشد، هزینه استفاده نکردن از تخفیفات نقدی برای یکسال چقدر است؟

$$\text{هزینه استفاده نکردن از تخفیف} = \frac{360 \text{ روز}}{\text{دوره پرداخت} - \text{دوره تخفیف}} \times \text{تخفیف}$$

$$\text{هزینه استفاده نکردن از تخفیف} = 2\% \times \frac{360}{70 - 10} = 14\%$$

وام بانکی

۱. وام بانکی: دومین منبع عمده تامین مالی کوتاه مدت برای شرکت ها
۲. وام بانکی: مدت دار یا دیداری
۳. وام فصلی: عمده ترین نوع اعتبار بانکی
۴. وام فصلی: هدف تهیه: تامین مالی در افزایش موقت موجودی ها
۵. مثال برای وام فصلی: وام برای ناشرین کتب دانشگاهی در زمان افزایش موجودی
۶. وام فصلی: نوعی وام تضمین نشده
۷. وام فصلی: بین بانک و مشتری توک غیررسمی برای حداکثر مقدار اعتبار اعطایی وجود دارد.
۸. بانک متعهد می شود تا حد معینی اعتبار در اختیار شرکت قرار دهد
۹. بانک می تواند برای اعتبار استفاده نشده وام از مشتری کارمزد دریافت کند.
۱۰. تامین مالی مقدماتی: وام: کوتاه مدت بانکی برای سرمایه گذاری در ماشین آلات

مانده جبرانی

۱۱. مانده جبرانی: حداقل سپرده دیداری نزد بانک که باید وام گیرنده از بانک داشته باشد.

- متوسط حداقل مانده حساب جاری برای دریافت وام = مقدار وام × درصد مانده جبرانی
۱۲. ممکن است برای اعتبار استفاده نشده درخواست مانده جبرانی کند. جداگانه محاسبه می شود
۱۳. مانده جبرانی میتواند حداقل مشخص باشد که در بانک نگه داری شود.

نرخ بهره موثر وام

۱. نرخ بهره موثر وام: در صورتی که در پایان سال هزینه پرداخت کرد:

$$\text{نرخ بهره موثر وام} = \frac{\text{هزینه سالانه}}{\text{مقدار وام در دسترس}} = \frac{(\text{نرخ بهره} \times \text{مبلغ وام})}{(\text{مانده جبرانی} - \text{مقدار وام})}$$

$$\text{نرخ بهره موثر وام} = \frac{\text{نرخ بهره وام}}{\text{نرخ مانده جبرانی} - 1}$$

۲. نرخ بهره موثر که هزینه وام اول کسر می شود:

$$\text{نرخ بهره موثر وام} = \frac{\text{هزینه سالانه}}{\text{نرخ بهره وام} - \text{نرخ مانده جبرانی} - 1} = \frac{\text{هزینه سالانه}}{\text{مقدار وام در دسترس}}$$

۳. چه مبلغی وام باید گرفته شود تا مقدار مشخص در اختیار قرار گیرد:

$$\text{مقدار وام} = \frac{\text{وجه مورد نیاز}}{\text{نرخ مانده جبرانی} - 1}$$

۴. اگر بانک برای بخش های استفاده نشده اعتبار، مانده جبرانی بخواهد:

$$\text{مقدار وام} = \frac{(\text{درصد مانده جبرانی برای اعتبار استفاده نشده} \times \text{کل اعتبار}) + \text{وجه مورد نیاز}}{\text{درصد مانده جبرانی اعتبار استفاده نشده} + \text{نرخ مانده جبرانی} - 1}$$

مثال ۱:

شرکت ستاره مبلغ ۳ میلیون ریال وام یکساله با بهره ۱۵٪ از یک بانک دریافت نمود، بانک مزبور ۲۲۵۰۰۰ ریال از وام را برداشت کرده و مابقی را در وجه شرکت پرداخت نمود. نرخ بهره موثر این وام چقدر است؟

$$\text{نرخ بهره موثر وام} = \frac{\text{هزینه سالانه}}{\text{مقدار وام در دسترس}} = \frac{(\text{نرخ بهره} \times \text{مبلغ وام})}{(\text{مانده جبرانی} - \text{مقدار وام})} = \frac{۳۰۰۰۰۰ \times ۱۵\%}{۳۰۰۰۰۰ - ۲۲۵۰۰۰} = ۱۶/۲۲\%$$

مثال ۲:

شرکتی به یک وام ۵۰۰۰۰۰۰ واحد پولی نیاز دارد، بانک نرخ بهره ۱۲٪ و مانده جبرانی ۲۰ درصد را از شرکت طلب میکند، نرخ بهره موثر این وام چه مقدار است؟

$$\text{نرخ بهره موثر وام} = \frac{\text{نرخ بهره وام}}{\text{نرخ مانده جبرانی} - 1} = \frac{۱۲\%}{1 - ۲۰\%} = ۱۵\%$$

مثال ۳:

یک موسسه مالی برای اعطای اعتبار ۴ میلیون وام ۱۴ درصدی ۲۰۰۰۰۰ ریال آن را به عنوان مانده جبرانی نزد خود نگه میدارد، اگر بهره وام اول سال از مشتری گرفته شود، نرخ بهره موثر چقدر است؟

$$\text{نرخ بهره موثر وام} = \frac{\text{هزینه سالانه}}{\text{هزینه بهره} - \text{مقدار وام در دسترس}} = \frac{4000000 \times 14\%}{4000000 - 2000000 - (4000000 \times 14\%)} = 17/3 \text{ درصد}$$

مثال ۴: اعتبار در دسترس شرکتی ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال بوده ولی شرکتی فقط به ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال آن نیاز دارد، اگر نرخ مانده جبرانی برای بخش استفاده شده ۲ درصد و برای بخش استفاده نشده ۹ درصد باشد، مقدار وامی که شرکت باید بگیرد چقدر است؟

$$\text{مقدار وام} = \frac{(\text{درصد مانده جبرانی برای اعتبار استفاده نشده} \times \text{کل اعتبار}) + \text{وجه مورد نیاز}}{(\text{درصد مانده جبرانی اعتبار استفاده نشده} + \text{نرخ مانده جبرانی} - 1)} = \frac{10000000 + (15000000 \times 9\%)}{1 - 2\% + 9\%} = 127/53 \text{ میلیون}$$

نرخ بهره وام های بانک

مخاطره اعطای وام بیشتر یا وام گیرنده پر مخاطره: نرخ بهره نیز بالاتر

سه روش پرداخت بهره وام بانکی:

۱. بهره در سررسید وام: نرخ بهره واقعی همان درصد وام

۲. پرداخت بهره به شک تنزیل اوراق بهادار شرکت: شرکت در وجه بانک اوراق قرضه صادر می کند و بهره از ارزش اسمی اوراق کسر میگردد.

هنگام دریافت وجه، هزینه بهره کسر می گردد، ولی کل مبلغ را بازپرداخت می کند.

$$\text{نرخ بهره} \times \text{وام} = \frac{\text{مبلغ دریافتی}}{\text{نرخ بهره}}$$

۳. نرخ بهره وام با نرخ بهره پایه بانکی تغییر می کند.

اسناد تجاری

۱. اوراق بهادار کوتاه مدت قابل فروش در بازار ک شرکت آن ها را به سرمایه گذاران می فروشد.

۲. اسناد تجاری: وام تضمین نشده: سررسید ۳۰ تا ۸۰ روز

۳. اسناد تجاری: بیشتر در موسسات و نهادهای مالی منتشر می گردد

۴. مهم ترین مزیت اسناد تجاری: هزینه کمتر

وام تضمین شده

۱. شرکتهای دارای اعتبار کمتر: برای دریافت وام وثیقه می گذارد.
۲. در صورت ورشکستگی شرکت، وام دهنده اولین کسی است که طلب خود را دریافت می کند.
۳. ۲ منبع وام کوتاه تضمین شده: بانک تجاری و موسسات مالی
۴. ۲ وثیقه: ۱. ح دریافتنی ۲. موجودی ها

حساب های دریافتنی:

۱. معرف پولی است ک شرکت مورد نظر از افراد یا شرکت هایی ک به آن ها اعتبار داده، طلب دارد.
۲. ح دریافتنی نسبتا ایمن اند: تنها زمانی لاوصول است که شرکت بدهکار ورشکست شود.
۳. ارزش وثیقه بیشتر از ارزش وام: ب دلیل وجود بدهکاران واهی، برگشت کالا
۴. دو روش استفاده از ح دریافتنی ب عنوان وثیقه: ۱. کل مانده ح دریافتنی به عنوان وثیقه: هزینه کم اما پرمخاطره برای وام دهنده ۲. مقداری از ح دریافتنی به عنوان وثیقه: حق انتخاب
۵. کارمزد بیشتر دریافت می شود: هزینه بر بودن کنترل ح دریافتنی
۶. فروش ح دریافتنی: فاکتورینگ

موجودی به عنوان وثیقه:

۱. اساس ارزیابی موجودی برای قابل وثیقه بودن: قابلیت فروش در بازار
۲. موجودی کالای در جریان وثیقه مناسب نیست.
۳. وثیقه مناسب: مواد اولیه: غلات، فلزات خام، مواد شیمیایی صنعتی
۴. کالای ساخته شده: اتومبیل، لوازم خانگی، کاغذ، چوب
۵. پوشاک، کالای فاسدشدنی، ابزار صنعتی خاص مناسب نیست.

۵ جنبه تامین مالی: ۱. هزینه ۲. تاثیر بر ارزش اعتباری شرکت ۳. قابلیت اتکا ۴. محدودیت ۵. انعطاف پذیری

۳ منبع تامین مالی کوتاه مدت: ۱. اعتبار تجاری ۲. وام بانکی ۳. اسناد تجاری

منابع مالی خارجی: وام کوتاه مدت و اعتبار بانکی، انتشار سهام عادی جدید، تجزیه سهام

عوامل موثر در ارزیابی مخاطره اعطای اعتبار به مشتری: تمایل و توانایی، وثیقه وام، شرایط کلی اقتصاد، خدمات مالی مشتری

فصل سوم

سرمایه در گردش

مدیریت سرمایه در گردش

۱. مدیریت مربوط به سرمایه گذاری انواع دارائی جاری و انتخاب بین منابع اصلی تامین مالی کوتاه مدت
۲. سرمایه در گردش قدیم: آن بخش از دارائی ها یا سرمایه شرکت که در عملیات کوتاه مدت به کار میرود
۳. سرمایه در گردش ناخالص: مجموع کلیه دارائی جاری
۴. سرمایه در گردش خالص: تفاوت بین دارائی جاری و بدهی جاری
۵. مدیریت سرمایه در گردش: شامل مدیریت کلیه ارقام دارائی ثابت و منابع تامین مالی کوتاه مدت
۶. مدیریت سرمایه در گردش: دربرگیرنده تصمیمات مربوط به تناسب میزان تامین مالی بلند مدت و کوتاه مدت
۷. سرمایه در گردش: معرف بخشی از دارائی جاری ک از طریق وام بلند مدت و حقوق صاحبان سهام تامین می شود.
۸. دو بخش سرمایه در گردش: دارایی جاری از طریق وام بلند مدت و حقوق صاحبان سهام، دارایی جاری با بدهی جاری و کوتاه مدت

$$\text{نسبت جاری} = \frac{\text{دارائی جاری}}{\text{بدهی جاری}}$$

۹. نسبت جاری بیشتر از یک - سرمایه در گردش مثبت
۱۰. در سطح خاصی از بدهی هرچه سرمایه در گردش بزرگتر، نسبت جاری بزرگتر
۱۱. عوامل موثر بر سرمایه در گردش: سطوح دارائی جاری و سطوح بدهی جاری**
۱۲. عوامل موثر بر تعیین خاص از سرمایه گردش: ویژگی عملیات شرکت و نوع شرکت
۱۳. تصمیم های مربوط به سرمایه در گردش: فروش، وجه نقد، ح دریافتنی و پرداختنی
۱۴. قاعده کلی: مجموعه سیاست انتخاب شود که بالاترین NPV جریان نقدی را داشته باشد.

سرمایه گذاری در سرمایه در گردش:

متوسط سرمایه گذاری (I) = متوسط دارائی جاری - متوسط بدهی جاری
متوسط دارائی جاری = متوسط مداخل مانده نقدی + متوسط ح دریافتنی + متوسط موجودی کالا
متوسط بدهی جاری = متوسط مساب پرداختنی + متوسط هزینه معوق + متوسط مالیات پرداختنی
جریان نقدینه (CF) = درآمد نقدی - هزینه افزایشی - هزینه مالیات

$$NPV = \frac{CF}{i} - I$$

سرمایه در گردش و تصمیم درباره تامین مالی:

افزایش دارایی جاری را تا حدی می توان با بدهی جاری (اعتبار تجاری) تامین کرد.

مدت پرداخت \times هزینه فریدنسیه روزانه = $\frac{\text{مدت پرداخت}}{۳۶۵} \times \text{هزینه فریدنسیه سالانه} = (\text{تامین اعتبار تجاری})$ افزایش مساب پرداختنی بدهی جاری ناشی از عملیات عادی شرکت است.

اصل تطابق

۱. اصل تطابق: تامین نیازهای مالی کوتاه مدت از منابع کوتاه مدت و نیاز بلند مدت از منابع بلند مدت
۲. پایه اصل تطابق: هماهنگی و تطابق سررسید وام با فاصله زمانی نیاز به منابع مالی
۳. نیاز بلند مدت با وام کوتاه مدت: برای بازپرداخت نیاز به وام جدید
۴. منطق اصل تطابق: استفاده از اصل در بلند مدت - مخاطره کم، هزینه مالی کم
۵. اصل تطابق: دارایی ثابت: منابع بلند مدت، وام، سهام
۶. دارایی ثابت در طی رشد شرکت روند صعودی دارد.
۷. دارایی جاری دارای نوسان است.
۸. انواع دارایی جاری: موقت، دائمی
۹. دارایی جاری دائمی: حداقل سرمایه گذاری در دارایی جاری برای حمایت فروش
۱۰. دارایی جاری دائمی تامین با منابع بلند مدت
۱۱. تنها دارایی جاری موقت با منابع کوتاه مدت تامین میشود
۱۲. اصل تطابق: در نظر گرفتن تامین مالی کوتاه مدت دائمی ناشی از بدهی
۱۳. رشد شرکت و فروش - افزایش بدهی جاری - بخشی از افزایش دارایی جاری دائمی با افزایش بدهی جاری تامین کرد (افزایش حساب پرداختنی)
۱۴. اصل تطابق: تنها افزایش سرمایه در گردش دائمی با منابع بلند مدت تامین میشود.

منحنی بازده



۱. منحنی بازده: زمان - بازده: صعودی و اوج و نزولی
۲. نموداری ک بهره وام را تابعی از مدت زمان وام نشان میدهد
۳. غالباً نرخ بهره وام های کوتاه مدت کمتر از بلند مدت
۴. منحنی بازده متفاوت برای هر فرد
۵. سه عامل مشخص کننده منحنی بازده: ۱. سطح جاری نرخ بهره کوتاه مدت ۲. انتظارات آتی ۳. جایزه پذیرش مخاطره تملک اوراق بلند مدت
۶. انتظار افزایش نرخ بهره - خرید اوراق بهادار کوتاه مدت - قیمت اوراق کوتاه مدت افزایش و نرخ کاهش
۷. انتظار کاهش نرخ بهره - نرخ بهره کوتاه مدت افزایش و بلند مدت کاهش

۸. افزایش نرخ بهره، قیمت اوراق بهادار با بهره ثابت را پایین می آورد.
۹. هرچه سررسید اوراق طولانی - کاهش قیمت بیشتر
۱۰. مخاطره اوراق بهادار بلندمدت بیشتر از اوراق قرضه کوتاه مدت است - بازده اوراق بلند مدت بیشتر از بازده اوراق کوتاه مدت
۱۱. تامین مالی وام کوتاه مدت: هزینه بهره مورد انتظار پایین - مخاطره بیشتر از نظر وام گیرنده
۱۲. تمایل کم وام دهندگان به شرکت های با نسبت جاری کمتر از یک

نقدینگی

۱. نقدینگی: توانایی تامین وجه مورد نیاز
 ۲. در صورت تبدیل فوری دارایی به وجه نقد، آن دارایی نقدینگی است.
 ۳. اوراق بهادار در بازار پول (بازار وام کوتاه مدت) دارای نقدینگی بالا
- نقدینگی در دسترس = اسناد خزانه + اسناد قابل فرید و فروش + مانده اعتبار استفاده نشده در بانک**
۴. هرچه میزان دارایی شرکت بزرگ باشد، نقدینگی شرکت بیشتر
 ۵. بدهی بالقوه: اعتبار شرکت نزد وام دهندگان
 ۶. سرمایه گذاری در دارایی قابل تبدیل به وجه نقد - نقدینگی بیشتر
 ۷. هرچه سرمایه گذاری در دارایی ک توانائی بالقوه شرکت برای وام گیری بیشتر - نقدینگی بیشتر
 ۸. هرچه نقدینگی بیشتر: کاهش بازده شرکت

جنبه نقدینگی

۱. دو جنبه نقدینگی: ۱. نقدینگی برنامه ریزی شده ۲. نقدینگی حمایت کننده
۲. نقدینگی برنامه ریزی شده: با برنامه ریزی مدیر مالی ارتباط دارد.
۳. نقدینگی برنامه ریزی شده: نیاز شرکت پیش بینی و نحوه تامین آن مشخص شود.
۴. نقدینگی برنامه ریزی شده: انواع مدل تامین اعتبار، کاهش دارائی، افزایش بدهی یا انتشار سهام
۵. نقدینگی حمایت کننده: توانائی شرکت در مقابله با تقاضای پیش بینی نشده برای وجه نقد
۶. نقدینگی حمایت کننده: نگهداری وجه نقد قابل ملاحظه، اوراق بهادار قابل فروش در حداقل

مخاطره و بازده سرمایه در گردش

۱. مدیران ریسک پذیر: فعالیت با سطح پایین سرمایه در گردش
۲. مدیران ریسک پذیر: استفاده از وام های کوتاه مدت زیاد، اوراق بهادار قابل فروش حداقل
۳. مدیران ریسک پذیر: حداکثر بازده را دنبال می کنند اما مخاطره را بیشتر میکنند.
۴. مدیران محافظه کار: فعالیت با سطح بالای سرمایه در گردش
۵. مدیران محافظه کار از وام های کوتاه مدت پرهیز، حفظ اوراق بهادار قابل فروش
۶. سطح مناسب سرمایه در گردش: تحت تاثیر ویژگی ذاتی فعالیت شرکت ربط دارد.

۷. میزان سرمایه گذاری در دارایی جاری با میزان فروش شرکت رابطه دارد.
۸. افزایش فروش ← خرید مواد اولیه و کالا افزایش ← افزایش حساب پرداختنی
۹. بخشی از بدهی های کوتاه مدت، بستگی به سطح فعالیت شرکت
۱۰. افزایش دارائی جاری بجز بدهی ← افزایش سرمایه در گردش
۱۱. دو راه ورود سرمایه در گردش در تجزیه و تحلیل: ۱. سرمایه گذاری در سرمایه در گردش ۲. پیش بینی مستقیم جریان نقدینه

فصل چهارم

بازارهای پول و سرمایه

۱. بازار پول: اعتبارات کوتاه مدت
۲. بازار پول: تعهدات کوتاه مدت دولت، وام‌های بین بانکی، مانده حساب بین بانکی
۳. بازار پول: بازاری برای پول و جایگزین های پول
۴. بازار پول: تامین نقدینگی مورد نیاز جریان فعالیت های عادی
۵. شامل بازار پول نیست: حساب های دیداری، سپرده ها یا اوراق پس انداز
۶. ابزارهای اصلی بازار پول: ۱. تعهدات کوتاه مدت دولت (اسناد خزانه) ۲. وام های بین بانکی ۳. مانده حساب های بین بانکی ۴. اوراق بهادار کوتاه مدت موسسات دولتی
۷. دو نهاد موثر در بازار پول: بانک ها و دولت
۸. بازار سرمایه: بازار اوراق بهادر بلند مدت

ویژگی نهاد پول و سرمایه:

۱. وام دهندگان اصلی در بازار پول: بانک تجاری
۲. بازار پول: تقاضای موقت وجه نقد با مازاد نقد وجه نقد واحد دیگر ارضا می شود.
۳. دو بازار دارای تعامل متقابل اند.
۴. بانک تجاری سیال است: می تواند اسناد خزانه (بازار پول) را به اوراق قرضه خصوصی (بازار سرمایه) تبدیل کند.
۵. بانک تجاری نمی تواند سهام شرکت جدید یا سهام جدید یا اوراق بهادار تازه ای را انتشار دهد.
۶. بازار سرمایه: بازار اوراق بلند مدت: اوراق قرضه و سهام
۷. دو عامل تقسیم کار و تخصص بین دو بازار: ۱. قانون ۲. رقابت

جریان منابع:

۱. شرکت های کوچک به وام های کوتاه مدت بانکی و اعتبارات فروشندگان متکی اند.
۲. مهم ترین منابع تامین مالی خارج از شرکت: وام بانکی، اعتبارات
۳. نهاد های بازار سرمایه: منابع را به شرکت های بزرگ هدایت می کند.
۴. عرضه کننده منابع مالی: بانک ها، بیمه، شرکت های سرمایه گذاری

اهمیت نسبی منابع:

۱. وام: کم هزینه ترین و ارزانترین عنصر ساختار سرمایه شرکت
۲. روند صعودی قیمت ها و فروش: افزایش سرمایه گذاری دائمی و موجودی و حساب های دریافتنی
۳. بهره ی وام از نظر مقامات مالیاتی قابل قبول است.

۴. نرخ بهره بالای مالیات بر درآمد: جذاب کردن وام بلند مدت

منابع وجوه خارج از شرکت:

۱. تامین کننده ها: اعتبارات نظام بانک تجاری، پس انداز مردم، سرمایه گذاری خارجی

اعتبارات ایجاد بانک تجاری:

۲. بانک ذخایر غیرصد درصد می تواند ایجاد اعتبار کند.
۳. ذخایر غیرصد در صد: بانک نیازی به نگهداری ۱۰۰٪ پول نقد در مقابل ۱۰۰٪ سپرده در بانک نیست.
۴. طبق قانون: بانک موظف به ذخیره درصدی از سپرده ها در بانک مرکزی است. (نرخ ذخیره قانونی)
۵. بانک به میزان ذخیره قانونی در بانک نگه می دارد: از بقیه استفاده می کند.
۶. به ذخایر بانک تجاری در بانک مرکزی بهره ای تعلق نمی گیرد.
۷. وقتی بانک وام می دهد، وام (دارایی) افزایش و سپرده (بدهی) افزایش می یابد. (در بانک)
۸. برای اینکه بانکی بتواند وام بدهد، ذخیره اش بیش از ذخیره قانونی در بانک داشته باشد.

$$S = \frac{A}{1-r} \quad \text{افزایش ذخایر بانک بیش از قانون در بانک مرکزی} = \frac{\text{افزایش وام و سرمایه گذاری بانک}}{\text{درصد ذخیره قانونی}}$$

پس انداز مردم

۹. پس انداز: مازاد درآمد افراد بر هزینه های مصرفی، مالیات ها، باز پرداخت به دولت
۱۰. نرخ بهره پس انداز ثابت: تقاضای منابع کاهش، کاهش نرخ بهره
۱۱. سرمایه گذاری در موجودی، ماشین آلات بیشتر شود و نرخ بهره پس انداز کاهش یابد باعث افزایش نرخ بهره پس انداز و افزایش هزینه تامین مالی می شود.

سرمایه گذاری خارجی

۱۲. اگر نرخ بهره در کشوری کاهش یابد، سرمایه گذاری خارجی منابع خود را خارج می کند.

کانال های انتقال منابع

۱. بانک تجاری به طور مستقیم به شرکت ها وام می دهد.
۲. بانک تجاری: خرید اوراق بهادار شرکت ها از واسطه ها یا کارگزار سهام
۳. نهادهای اعتبار دهنده به مصرف کنندگان، از بانک اعتبار می گیرند.
۴. سه راه انتقال پس انداز افراد به شرکت ها:
 ۱. خرید اوراق بهادار موجود: نوعی تبدیل دارایی است، معرف سرمایه گذاری جدید در اقتصاد نیست.
 ۲. خرید اوراق بهادار جدید از واسطه ها: (بانک سرمایه گذاری یا بورس)

۳. مستقیم یا خرید اوراق بهادار از خود شرکت ها

نهاد های موجود در بازار پول و سرمایه:

۱. نهاد های عرضه کننده منابع مالی به شرکت ها، کشاوری، دولت، مسکونی:

a. بانک تجاری

b. شرکت بیمه عمر

c. صندوق سرمایه گذاری

d. بیمه حوادث

e. بازنشستگی

f. موسسات پس انداز

۲. نهاد های عرضه کننده منابع مالی به مصرف کنندگان برای خرید:

a. تامین مالی فروش

b. مصرف کننده

c. اتحادیه های اعتباری

۳. موسسات غیر مالی هم منابع در اختیار قرار می دهند

۴. عمده ترین کانال انتقال منابع به شرکت ها: صندوق بازنشستگی، بیمه عمر

دلایل سرمایه گذاری افراد:

۱. پرهزینه و غیرممکن بودن سرمایه گذاری مستقیم برای پس انداز کوچک

۲. ناتوانی افراد برای کاهش دادن مخاطره سرمایه گذاری

عوامل موثر بر جریان منابع:

۱. ماهیت رقابتی بودن بازار پول و سرمایه

۲. آنچه اهمیت دارد: میزان منابع مالی، دوره زمانی، تعهدات نسبت به آن.

۳. جریان های منابع تا حد زیادی با تغییرات هزینه منابع مالی تعدیل میشوند.

۴. شرایط رونق اقتصادی با تورم: شرکت به منابع خارجی متوسل میشود: بالا رفتن نرخ بهره

۵. اگر دولت هم نیاز بیشتری داشته باشد: فشار تقاضا به بازار پول و سرمایه افزایش و نرخ بهره بالا می رود

عوامل محدود کننده رقابت:

۱. عوامل محدود کننده رقابت: ۱. سنت و مقررات ۲. مالیات ۳. ویژگی ذاتی شرکت

سنت و مقررات

۲. عرضه کنندگان سنتی منابع: مهمترین مسئله در سرمایه گذاری: ثابت بودن تعهد است.

۳. بانک تجاری، صندوق سرمایه گذاری، پس انداز: بهره می دهند: مخاطره نمی پذیرند.

۴. شرکت بیمه، صندوق بازنشستگی: تعهدات ثابت دارند: ترجیح ایمنی سرمایه به نرخ بازدهی سرمایه گذاری

۵. بانک تجاری: بیشتر در بازار پول فعال است: وام ها و اوراق بهادار کوتاه مدت

۶. اکثر تعهدات بانک تجاری، دیداری است.

۷. موسسات پس انداز: تنها مقدار اندکی از سهام شرکت ها را میتواند خریداری کند.

۸. شرکت های بیمه عمر و بازنشستگی: سرمایه گذاری در اوراق قرضه بیشتر و سهام کمتر

مالیات

۹. افزایش مالیات بر درآمد: کاهش منابع در دسترس عرضه در بازار پول و سرمایه

۱۰. افرادی که سهام نگهداری می کنند، میتوانند بیش از سود سهام را در درآمد ناخالص مورد نظر بگیرند

۱۱. مالیات بر درآمد سود سرمایه ای فروش سهام کمتر از مالیات بر درآمد دستمزد حقوق

عوامل پویای موثر بر جریان پس اندازها:

۱. عوامل موثر بر پویایی جریان پس انداز: شرایط عمومی اقتصاد، سیاست های پولی، سیاست های مالی

شرایط عمومی اقتصاد:

۲. دوره رونق اقتصادی: افزایش جریان منابع به شرکت ها

۳. درآمد بیشتر باعث افزایش پس انداز می شود.

۴. واکنش نرخ بهره آنی نیست.

۵. افزایش قیمت ها: افزایش نیاز به موجودی و حساب های دریافتی: افزایش نیاز به منابع: افزایش تقاضای منبع برای دارایی ثابت

۶. دوره رکود: هزینه استفاده از منابع مالی کاهش می یابد: دوره رونق بعد از رکود: افزایش هزینه تامین

سیاست های پولی:

۷. دو عامل موثر در وام گیری: ۱. خالص وضعیت ذخایر ۲. حجم پول

۸. بانک مرکزی: افزایش یا کاهش نرخ ذخیره قانونی: تاثیر در اعطای اعتبار بانک تجاری

۹. عملیات بازار باز: خرید و فروش اوراق بهادار دولتی: تغییر در اعطای اعتبارات

۱۰. موجودی پول: پول رایج و سپرده افراد نزد بانک تجاری

۱۱. فریدمن: مهمترین متغیر پولی: حجم پول در جریان

سیاست مالی:

۱۲. دولت در مورد مالیات ها: درباره وام بلند مدت

۱۳. بزرگترین وام گیرنده در بازار پول و سرمایه: دولت

۱۴. افزایش بدهی دولت: کاهش منابع مالی کمتر در اختیار بخش خصوصی

۱۵. سررسید بدهی بلند مدت دولت بیشتر: کاهش وام کوتاه مدت و افزایش وام بلند مدت دولت

۱. بازار پول: بازار تعهدات کوتاه مدت، وام بین بانکی، حساب بین بانکی
۲. بازار پول شامل سپرده های دیداری و پس انداز نمی شود.
۳. وام دهندگان بازار پول: بانک تجاری
۴. دو عامل تقسیم کار: قانون و رقابت
۵. منابع وجوه خارج از شرکت: ۱. اعتبارات بانک تجاری از طریق کانال مستقیم، خرید اوراق ۲. پس انداز مردم از طریق کانال خرید اوراق موجود، خرید اوراق جدید از واسطه، سرمایه گذاری مستقیم ۳. سرمایه گذاری خارجی
۶. اگر نرخ بهره ی کشوری کاهش یابد، سرمایه گذار خارجی سرمایه خود را از آن کشور خارج میکند.
۷. نهادهای موجود در بازار پول: نهاد عرضه منابع مالی به شرکت ها، کشاورزی، دولت، مسکونی و نهاد عرضه منابع به مصرف کنندگان برای خرید (مانند اتحادیه اعتباری)
۸. عمده ترین کانال انتقال منابع: صندوق بازنشستگی، بیمه عمر
۹. عامل موثر بر جریان منابع: رقابت
۱۰. تعدیل کننده جریان منابع: هزینه منابع مالی
۱۱. عوامل محدود کننده رقابت: سنت و مقررات (تعهدات ثابت بیمه و صندوق بازنشستگی)، مالیات
۱۲. عوامل موثر بر جریان پس انداز: شرایط عمومی اقتصاد (رکود: کاهش هزینه تامین مالی)، سیاست پولی (وضعیت ذخایر قانونی بانک ها، حجم پول)، سیاست مالی (افزایش بدهی و کاهش مالیات)
۱۳. ارزاترین و کم هزینه ترین عنصر ساختار سرمایه: وام
۱۴. ابزار بازار پول: اسناد خزانه، وام بین بانکی، مانده حساب بانکی
۱۵. سهام ممتاز ارزاتر از سهام عادی.